نگاه

درباره بهشت‌های مالیاتی

تقریبا همه بنگاه‌های فراملیتی از «بهشت‌های مالیاتی» استفاده می‌کنند و برخلاف تصوری که در میان برخی وجود دارد عمده‌ترین بهره‌گیران از این «بهشت‌های مالیاتی» بنگاه‌های والاسترید هستند. منافع استفاده از بهشت‌های مالیاتی فقط قرار از پرداخت مالیات نیست بلکه این بهشت‌ها امکانات زیادی برای پنهان‌کاری در اختیار نخبگان مالی می‌گذارند تا ضمن استفاده از امکانات عمومیت بتوانند از قوانین و مقررات ایمن جوامع ازجمله قوانین مبارزه با فرار، قوانین جزائی و بسیاری دیگر دربروند. درباره این «بهشت‌های مالیاتی» چه می‌توان گفت؟ تعریفی که مورد قبول همگان باشد وجود ندارد. اما آنچه می‌توان به‌عنوان یک تعریف کلی از این بهشت‌ها گفت این است که امکاناتی را که از نظر سامانه‌های مالیاتی، ارائه می‌دهند تا نخبگان مالی بتوانند قوانین و محدودیت‌های قضائی در سرزمین‌های دیگر را دور بزنند. کم نیستند کسانی که دروافع مشکل‌ساز در این تعریف نمی‌زنند یعنی اینکه یک کشور مستقل می‌خواهد با استفاده از حق حاکمیت خود برای ثروتمندشدن خود به زیان دیگران استفاده کند. اما مسئله اینکه پیچیدتر از این است.

احمد سیف در بخشی از کتاب «سرمایه‌داری مافیایی» درباره مقوله «سرون از محدودیت‌های قانونی- ملی» با همان آشنوب (offshore) بحث می‌کند. از این مفهوم به معنای دیگری هم استفاده می‌شود که مدنظر نویسنده نیست. در این کتاب وقتی از «برون از محدودیت‌های قانون ملی» یا آشنوب سخن گفته می‌شود منظور دروافع فعالیت‌های موهومی یا استفاده از بول بین مناطق گوناگون است. به عبارت دیگر وقتی پول به یکی از بهشت‌های مالیاتی سرریز می‌شود «هویت» دیگری می‌یابد که از دسترس قانون و قانون‌مداران خارج می‌شود. بهشت‌های مالیاتی چند خصلت مشترک دارند:

- تقریبا همه بهشت‌های مالیاتی به شما امکانات پنهان‌کاری ارائه می‌دهند که بتوانید ثروت خود را از دید مالیات‌گیرندگان پنهان کنید.

- دومین خصلت مشترک این بهشت‌ها این است که نرخ مالیات در آنها بسیار کم- گاه در حد صفر- است. یعنی مالیاتی نیست و بنگاه‌ها و نخبگان از این امکانات به‌طور قانونی و گاه غیرقانونی استفاده می‌کنند تا مالیات کمتری بپردازند.

- در اغلب این بهشت‌های مالیاتی هیچ رابطه و نسبتی بین میزان «مبادلات مالی و پولی» و اندازه اقتصاد محلی وجود ندارد. به‌عنوان مثال در هلند که اتفاقا یکی از این بهشت‌های مالیاتی است که مؤسسات مالی وپسزادی برای این کار ایجاد کرده‌اند، حجم کل مبادلات سالانه را در ۲۰۰۸ بیش از ۶.۶ تریلیون دلار برآورد کرده‌اند که حدود ۹ برابر تولید ناخالص داخلی هلند است. این نسبت در دیگر بهشت‌های مالیاتی به‌مراتب بیشتر است که به شماری از آنها در کتاب پرداخته می‌شود. البته در شماری از این بهشت‌های مالیاتی قوانین مالیاتی برای داخلی‌ها ممکن است متفاوت باشد و اغلب هم چنین است.

- تقریبا همه بهشت‌های مالیاتی ادعا دارند که فعالیت‌هایشان «شفاف» است و چیزی برای پنهان‌کردن ندارند که البته این ادعا واقعیت ندارد.

- در اغلب این بهشت‌های مالیاتی اگرچه صحبت از «آزادی نامحدود» فردی می‌کنند و ادعای وجود آزادی نامحدود دارند ولی دربرابر منتقدان این فعالیت‌ها تقریبا همه این بهشت‌ها نظام‌های سیاسی به‌شدت سرکوبگری دارند که هیچ‌گونه نقدی را تحمل نمی‌کنند.

گاه به‌ناسزاست ادعا می‌شود که «بهشت‌های مالیاتی» تنها مورد استفاده یا سوءاستفاده قاچاقچیان مواد مخدر و جنایتکاران سازمان‌یافته است. اما واقعیت این است که بسیاری از این بهشت‌ها در امکانات پولی و مالی استفاده می‌کنند. ولی این ادعا به این صورت بی‌پایه است. اداره حسابرسی آمریکا در گزارشی که در ۲۰۰۸ منتشر کرد، نوشت که برای مثال «سیتی کیپس» ۴۲۷ شعبه در بهشت‌های مالیاتی داشته است که ۲۹۰ شعبه در بهشت‌های مالیاتی اداره‌شده از طرف انگلستان واقع بوده‌اند. «موراکن استانلی» هم ۲۷۳ شعبه در بهشت‌های مالیاتی داشت که ۲۲۰ تا از این شعب در بهشت‌های مالیاتی تحت اداره انگلستان قرار داشتند. یا شرکت معروف «ارون» که چند سال پیش فروپاشید در زمانی در بهشت‌های مالیاتی ۸۸۱ شعبه ایجاد کرده بود؛ ۶۹۲ شعبه در جزایر کیمان، ۱۱۹ شعبه در «تورک و کایکوس»، ۴۳ شعبه در موریتانی و هشت شعبه هم در برمودا. البته همه این بهشت‌های مالیاتی را انگلستان یا به‌طور مشخص‌تر لندن مدیریت می‌کنند. آمریکا هم به‌نوبه خود سعی می‌کند به بنگاه‌های انگلیسی کمک کند و این کار معمولا از کانال والاستریت انجام می‌گیرد.

عمده‌ترین زیانی که بهشت‌های مالیاتی دارند متوجه کشورهای درحال‌توسعه است. مؤسسه «اکشن نت» در گزارشی که در ۲۰۱۳ منتشر کرد، یادآور شد که کشورهای درحال‌توسعه سالی ۱۰۰ تا ۱۶۰ میلیارد دلار از فرار مالیاتی زیان می‌بینند. برای اینکه معامله ساده را بهتر متوجه شویم باید بدانیم که این میزان سه برابر سرمایه‌های است که در کشاورزی به کار گرفته شود. گرسنگی در افغانستان جهان را می‌توان ریشه‌کن کرد. از طرف دیگر بدغذایی به‌طور متوسط سالی ۳.۲ میلیون کودک را می‌کشد. این میزان نزدیک به ۱۰ برابر سرمایه‌ای است که برای حذف بدغذایی در افتصاد جهان لازم است. مطالعه سالی سامبای که برجهان سرمایه‌داری کنونی حکم‌فرماست. زیرساختی ایجاد کرد که با استفاده از آن نقل‌وانتقال زیادی صورت می‌گیرد و سود از کشورهای درحال‌توسعه -جایی که این سودها در آن به دست می‌آید- به «بهشت‌های مالیاتی» -یعنی کشورهایی که عملا نقشی در تولید و توزیع فراورده‌ها ندارند- منتقل می‌شود. پیش می‌آید که این «شعب» در «بهشت‌های مالیاتی» دیگر هیچ شعبه‌ای نیستند. در موارد زیادی بیشتر از یک صندوق پستی نیستند و تنها بیانگر امکانات حقوقی‌شده که نقل‌وانتقال سرمایه‌ها را از طرق مالیاتی را امکان‌پذیر می‌کنند. برای بهبود بازدهی در اقتصاد و به‌خصوص اقتصاد کشورهای درحال‌توسعه سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عمومی -راه و راه‌آهن، بهداشت و آموزش- ضروری است. استفاده از «بهشت‌های مالیاتی» و فرار مالیاتی ناشی از آن و اتهام‌زنی میان مالیاتی در کشورهای درحال‌توسعه این امکان را به‌شدت محدود می‌کند. اگرچه این نوع شیوه کار حتی به نفع اهالی دارنده حساب‌های شرکت‌های فراملیتی هم نیست، ولی آنچه در تصمیم‌گیری‌ها بسیار بالا را دارد مافیا و منافع بسیار کوتاه‌مدت آن شرکت‌هاست. اگر نقش «بهشت‌های مالیاتی» در تسهیل فرار مالیاتی بخشی از مشکلات اقتصادی و مالی کشورهای درحال‌توسعه باشد، نقش عظیم این «بهشت‌ها» در وقوع کمک به رخنه‌گری سرمایه از این کشورهاست. به‌طور موجز باید بگویم که برای یک دلاری که به کشورهای درحال‌توسعه «کمک» می‌شود ۱۰ دلار از این کشورها به در برده می‌شود. اگرچه فساد در این کشورها مشکل بسیار اساسی و مهمی است، ولی هم دامنه داستان نیست به سخن دیگر بخش عمده سرمایه‌ای که از این کشورها به در برده می‌شود از طریق تجارت خارجی و فعالیت‌های بنگاه‌های فراملیتی صورت می‌گیرد. به‌طورکلی سه منبع اصلی سرمایه را کشورهای فقیر و درحال‌توسعه عهده‌اند: از رشوه و سرقت؛ جنایات سازمان‌یافته؛ فعالیت بنگاه‌های فراملیتی. فرار مالیاتی و مبادلات تجارتی قلابی بر روی کاغذ برای به‌دربردن سرمایه.

گفت‌وگو با احمد سیف درباره کتاب «سرمایه‌داری مافیایی: مقدمه‌ای بر بهشت‌های مالیاتی»

بازیگران جهان کازینویی

علی سالم

در آوریل ۲۰۱۶ روزنامه آلمانی زودویچه تسایتونگ مدارک عظیمی از پول‌شویی‌ها، فرارهای مالیاتی و کلاهبرداری‌های برخی از سران کشورها و همین‌طور افراد مرفه‌ـ‌سرشناس ورزشی و هنری را از سوی منبعی ناشناس به دست آورد و در اختیار گروهی از روزنامه‌نگاران تحقیقی قرار داد. این گروه پس از بررسی‌های فراوان بخشی از این مدارک را منتشر کرد که به افشاگری «اسناد پاناما» معروف شد. اسناد پاناما مجموعه‌ای از ۱۱.۵ میلیون سند محرمانه از دفتر وکالت موساک فونسکا (یکی از پنهان‌کارترین شرکت‌های اقتصادی جهان در مناطق موسوم به «بهشت مالیاتی») است که دوره‌ای ۴۰ ساله را در ارتباط با پول‌شویی، فرار مالیاتی و دورزدن تحریم‌های بین‌المللی پوشش می‌دهد. از این افشاگری به‌عنوان «بزرگ‌ترین افشای فساد مالی سیاست‌مداران جهان» یاد شده است. با افشای «اسناد پاناما» و کمی بعدتر «اسناد بهشت» این واقعیت آشکار شد که آنچه در بهشت‌های مالیاتی می‌گذرد، نه بخشی فرعی، بلکه وجه عمده اقتصاد سرمایه‌داری کنونی است.

پس از این افشاگری کشورها، ملل، مقامات و برنامه‌های خبری فراوانی به تحلیل آن پرداختند. احمد سیف، اقتصاددان ایرانی نیز در سلسله یادداشت‌هایی با عنوان «سرمایه‌داری کازینویی»، تلاش کرد کوشه‌هایی از این روایت را بازتو کند؛ از تاریخ شکل‌گیری این نوع سرمایه‌داری گفت. شیوه کار آن را شرح داد و اشارتی هم داشت به مراکز دیگر و مهم‌تر هم مالی که دروافع حلقه‌های بزرگ‌تری در این سرمایه‌داری کازینویی محسوب می‌شوند. مجموعه این یادداشت‌ها به‌علاوه مطالبی تحلیلی سال گذشته در قالب کتاب «سرمایه‌داری مافیایی: مقدمه‌ای بر بهشت‌های مالیاتی» به همت شارر کردمن روانه بازار نشر شد. جلد دوم این کتاب نیز با عنوان «سرمایه‌داری کازینویی: معماران و بازیگران» در دست انتشار است. سیر در مقدمه، کتاب را این‌گونه معرفی می‌کند: «آنچه در جهان امروز شاهد آن هستیم «سرمایه‌داری برای فقرا» و «سوسیالیسم برای ثروتمندان» است. سودها شخصی است و زیان‌ها اجتماعی. قمار در کازینوهای جهانی به‌گونه‌ای انجام می‌گیرد که «از هر طرف که شوید کشته» به سود قمارزنان بازارهای مالی است. بیش از نیمی از تجارت جهان، یک سوم کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و حدود ۸۵ درصد کل بانکداری بین‌المللی بیرون از حوزه برقراری قوانین ملی جریان دارد. همچنین نیمی از دارایی‌های مالی بانک‌ها در این بهشت‌های مالیاتی انباشته شده است». جالب اینکه تقریبا همه بنگاه‌های فراملیتی از بهشت‌های مالیاتی استفاده می‌کنند و برخلاف تصور برخی، عمدتدرین بهره‌گیران از این بهشت‌های مالیاتی نه قاچاقچیان اسلحه و مواد مخدر، بلکه بنگاه‌های والاستریت و دیگر مراکز مالی در جهان سرمایه‌داری‌اند. پس از افشاگری‌های اسناد پاناما روش شد که سهم بخش قمارخانه‌ای اقتصاد جهانی نه‌تنها ناچیز نیست، بلکه اساسی است. سرمایه‌داری مافیایی کنکاشی است در ابعاد و زوایای بهشت‌های مالیاتی با نگیه بر اسناد پاناما.

با احمد سیف گفت‌وگویی مکتوب درباره این کتاب کردیم. او ضمن برشمردن ویژگی‌ها و نعمات سرمایه‌داری کازینویی و تأثیر آن بر سرنوشت اکثریت مردم، از وضعیت کنونی اقتصاد سرمایه‌داری و رکود پی‌ساخته حاکم بر آن و بویژه بی‌اثر ماندن همه کسری کروما می‌گوید. سیف پژوهشگر و استاد بازنشسته اقتصاد در دانشگاه آسافوردشایر انگلستان است. او تا تعداد زیادی تألیف و ترجمه درباره اقتصاد، سیاست و تاریخ ایران منتشر شده‌ـ از جمله «تاریخ آشفته با آشفته‌نگاری تاریخی؟»، «مقدمه‌ای بر اقتصاد سیاسی در عصر جهانی‌کردن»، «بحران بزرگ جهانی، خوانش ایرانی» و «استبداد، مسئله مالکیت و انباشت سرمایه در ایران».

▼تعریف و تاریخچه شکل‌گیری سرمایه‌داری کازینویی و تفاوت آن با جریان اصلی سرمایه‌داری است؟

اگر به گفته شما در این پرسش، دستاورد عمده «جریان اصلی سرمایه‌داری» را «تولید ارزش» بدانیم -اینکه ایشه ارزش چگونه توزیع می‌شود بماند- سرمایه‌داری کازینویی در وجه عمده برانت‌خواری استوار است و در فرایند فعالیت‌ها و مبادلات خود نه «تولید ارزش» که دروافع «زهکشی ارزش» می‌کند. نه‌تنها در خدمت گسترش تولید در بخش مولد اقتصاد نیست، بلکه بخش اساسی فعالیت‌هایش در وجه «توزیع» صورت می‌گیرد؛ یعنی بر چگونگی توزیع ارزش اثر می‌گذارد نه در تولید آن. یکی از نمودهای آن هم این است که شما کشوری را در جهان پیدا نمی‌کنید که توزیع درآمد و ثروت در آن در این صرف ضرر دیده باشد. اگرچه ممکن است در موارد مکرر از انواع و اقسام «معما»ها سخن می‌گویند- معمای بهره‌وری «افاقاد»ترین آن است- ولی من هیچ رمز و رازی در این پیامدها نمی‌بینم. هرچه حوزه فعالیت سرمایه‌داری کازینویی بیشتر می‌شود، زندگی در بخش مولد اقتصاد -آن بخشی که هنوز به تولید ارزش دست می‌زند- دشوارتر خواهد شد؛ چون دروافع بخشی از ارزشی که تولید می‌کند در همان بخش برای تولید ارزش بیشتر به جریان نمی‌افتد و از آنجا به در برده می‌شود. به عبارت دیگر، آنچه در بخش سرمایه‌داری کازینویی می‌گذرد، به زیان بخش مولد اقتصاد است و دروافع با تضعیف بخش مولد اقتصاد است که این بخش عمدتا آنکه می‌تواند بروز شود. آنچه من سرمایه‌داری کازینویی می‌نامم یک شبه پدید نیامده. بلکه پیامد اصلاحات و تغییراتی است که در شیوه اداره نظام سرمایه‌داری در ۴۰ سال گذشته اتفاق افتاده است: کنترل‌زدایی از بازارهای مالی، رفع موانع قانونی بر سر حرکت سرمایه، کوشش‌های بی‌امان برای کالایی‌سازی هر چیز و همه‌چیز و در کنار این اقدامات، ابداعات تازه در بازارهای مالی؛ یعنی به صورت اسناد مالی دراوردن بدهی‌ها، لغو محدودیت‌های قانونی برای خلق پول که به‌طور عمده در بخش مالی و بانکداری صورت می‌گیرد. از این طرف تداوم ولی در انگلیس که مس در آن زندگی می‌کنم کل پولی که بانک مرکزی بر میزانش «کنترل» دارد حدودا سه برابر است اندکی بیشتر از چیزی است که به‌عنوان پول در اقتصاد در جریان است. منظورم این است که بانک مرکزی انگلیس تنها چاپ اسکناس و سکه را کنترل می‌کند نه آن که بانک‌ها در دفاتر خود چه تعداد صفر اضافه می‌کنند و با همین کار ساده، «تولید پول» بیشتر، به متقاضیان «وام» می‌دهند تا بعد، به ارای وامی که داده‌اند «سود» ببرند. بخش عمده‌ای از وامی که بخش مالی می‌دهد در وجه عمده برای تأمین مالی مصرف و بسیاری خرید دارایی‌های است که وجود دارد. به عبارت دیگر، دارم به این نکته اشاره می‌کنم که برخلاف وعده‌ای که در کتاب‌های درسی داده می‌شود، وام‌دادن برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری جهت تولید ارزش بیشتر در اقتصاد، به دروافع در نظام ارجحیت وام‌دهندگان جایگاه بسیار نازلی دارد. در اینجا هم مثل ایران، دولت‌مدار متحیرند که چگونه «نقدینگی‌ها» را به «سمت تولید» سوق بدهند؛ چون خودشان هم می‌دانند که بخش سودآور اقتصاد -که من آن را سرمایه‌داری کازینویی خوانده‌ام- این نقدینگی را تولید می‌کند که بعد در فعالیت‌های قماری به کار گیرد. می‌خواهد خرید سهام باشد یا اوراق بهادار دیگر. در اقتصادی همچون ایران هم خرید سکه و ارز به صورت کار اصلی همه کسانی درمی‌آید که تتمه مازادی دارند. در این دست فعالیت‌ها هیچ ارزش تازه‌ای تولید نمی‌شود. به همین خاطر است که شاخه‌ها و بخش‌ها از زندگی اقتصادی را به واقع برای اکثریت مردم تنگ‌تر می‌کند.

حتی ماهیت ارزش سهام هم تغییر کرده است. در ۵۰ سال پیش، صاحب کمپانی ایل نمی‌توانست به بازار سهام نیویورک بزود و خریدار سهام خودش باشد- این کار غیرقانونی بود. ولی در اوایل سال‌های ۱۹۸۰ در دوره ریگان، این محدودیت را برداشتند. امروزه شما مشاهده می‌کنید که هم نیستند بنگاه‌هایی که با توجه به نرخ بهره بسیار نازل این روزها، وام می‌گیرند تا بتوانند سهام خودشان را بخرند. البته کار غیرقانونی بود. منطقش حداقل با الغای اقتصاد جور درمی‌آمد. در آن سال‌ها همه بنگاه‌هایی که می‌توانستند سهامشان را به عموم عرضه کنند موظف بودند هرساله گزارش مالی حسابرسی‌شده خودشان را منتشر کنند و من و شمای نوعی هم با چسب‌چوب و در این گزارش‌ها تصمیم می‌گرفتیم که کمپانی «برادر شرکت «الف» باشیم یا «ب». ولی امروز است که تصمیم من و شما به میزان سودآوری و سهم بازار آنها بستگی داشت و طبیعتا کمپانی‌هایی که سود بیشتری داشتند مطبوع‌تر بودند و بیشترشدن تقاضا برای سهام‌شان باعث می‌شد تا قیمت سهام‌شان هم در بازار بالا برود. دروافع این نوع افزایش بهای سهام بود که نشانه تغییرات مثبت در اقتصاد و عملکرد آن بود. به همین دلیل هم بود که قانون‌گذاران خرید سهام خودش را غیرقانونی اعلام کرده بودند. پذیرفته بودند که هیچ عامل اقتصادی حق ندارد برای سهام بنگاه خود یک تقاضای کاذب ایجاد کرده و باعث بالارفتن قیمت آن شود. این برخلاف ظاهر به زیان اقتصاد در کلیت آن است- چون به قول اقتصاددانان جوان ایلی، «سازوکار» اطلاعات‌دهی نظم بازار را مختل می‌کند. از این خبر فرار به دنیای دیگر. آمازون و فیس‌بوک بخش عمده‌ای از «سود» خود را صرف خرید سهام خودشان می‌کنند. اگرچه ممکن است به بالارفتن بهای سهام، سهامدار ایل اندکی «بولدارتر» بشود، ولی این بولدارترشدن به این خاطر نیست که کمپانی با تولید ارزش بیشتر به صورت کالا یا خدمات دیگر، سود بیشتری به دست آورده یا سهم بیشتری از بازار را از رقبا گرفته است.

دروافع یک بازی سخیف حسابداریانه است که ارقام بدون اینکه در فرایند تولید ارزش شاهد تغییری باشیم، بالا و پایین می‌روند. سرمایه‌داری کازینویی پیامد ظهور یک زیرساخت بسیار گسترده است که در این فرایند کلی زهکشی ارزش را سازمان‌دهی می‌کنند.

▼مهم‌ترین بازیگران این جهان کازینویی چه افراد یا نهادهایی هستند؟

عمده‌ترین بازیگران در آن شرکت‌های فراملیتی، بانک‌ها و دیگر مؤسسات مالی و از سوی دیگر یک‌درصدی‌ها هستند. البته زنجیره‌ای از حقوق‌دانان و وکلا، حسابداران و شرکت‌های حقوقی هم هستند که این نظام را می‌گردانند و دروافع پیاده‌نظام آن هستند.

▼علت سرمایه‌داری کازینویی بیشتر برای توصیف مافیا به‌کار رفته است؟

بورس‌بازی به کار برده شده ولی موضوع اصلی‌ای که در کتاب بررسی می‌شود مسئله فرار مالیاتی است. چرا عنوان کتاب را سرمایه‌داری مافیایی گذاشته‌اید؟

اینکه چرا نام کتاب را گذاشته‌ام «سرمایه‌داری مافیایی»، پاسخ سراسری دارد؛ چون اجازه نداده بودند عنوانش را «سرمایه‌داری کازینویی» بگذارم، و اما نکته شما درباره فرار مالیاتی، واقعیت این است که یک نظام سرمایه‌داری، اگر بخواهد مالیاتی مبنی بر مالیات‌ستانی برای تجارت تأسیس کند، کار چون با جبهه قدرتی که در دیگر دیدیم، جنگیدن در تمام جبهه‌ها است. البته زنجیره‌ای از حقوق‌دانان و وکلا، حسابداران و شرکت‌های حقوقی هم هستند که این نظام را می‌گردانند و دروافع پیاده‌نظام آن هستند.

▼مهم‌ترین بازیگران جهان کازینویی چه افراد یا نهادهایی هستند؟

عمده‌ترین بازیگران در آن شرکت‌های فراملیتی، بانک‌ها و دیگر مؤسسات مالی و از سوی دیگر یک‌درصدی‌ها هستند. البته زنجیره‌ای از حقوق‌دانان و وکلا، حسابداران و شرکت‌های حقوقی هم هستند که این نظام را می‌گردانند و دروافع پیاده‌نظام آن هستند.

▼علت سرمایه‌داری کازینویی بیشتر برای توصیف مافیا به‌کار رفته است؟

بورس‌بازی به کار برده شده ولی موضوع اصلی‌ای که در کتاب بررسی می‌شود مسئله فرار مالیاتی است. چرا عنوان کتاب را سرمایه‌داری مافیایی گذاشته‌اید؟

اینکه چرا نام کتاب را گذاشته‌ام «سرمایه‌داری مافیایی»، پاسخ سراسری دارد؛ چون اجازه نداده بودند عنوانش را «سرمایه‌داری کازینویی» بگذارم، و اما نکته شما درباره فرار مالیاتی، واقعیت این است که یک نظام سرمایه‌داری، اگر بخواهد مالیاتی مبنی بر مالیات‌ستانی برای تجارت تأسیس کند، کار چون با جبهه قدرتی که در دیگر دیدیم، جنگیدن در تمام جبهه‌ها است. البته زنجیره‌ای از حقوق‌دانان و وکلا، حسابداران و شرکت‌های حقوقی هم هستند که این نظام را می‌گردانند و دروافع پیاده‌نظام آن هستند.

▼غول‌های کازینویی سخن گفتند و از سوی دیگر درباره فرار مالیاتی نوشتم. خواستم این نکته را گفته باشم که بدون تصحیح این ساختار معیوب بسیاری از مشکلات امروزین ما قابل رفع و رجوع نیستند.

▼توماس پیکتی در کتاب سرمایه در قرن بیست‌ویکم مالیات‌ستانی تصاعدی را راه کاهش نابرابری فزاینده در قرن بیست‌ویکم می‌داند؛ چقدر این موضوع را در عمل و در شرایط جهانی‌شدن سرمایه‌داری و نولیبرالیسم قابل تحقق می‌دانید؟

اگرچه میزان مالیاتی عمومی در کشورهای مختلف فرق می‌کند؛ ولی در همه کشورها، فرمولی برای اقتصادی از این امکانات عمومی در جریان فعالیت‌های خود بهره‌مند می‌شوند. اینکه شما یک تشکیلات عریض و طویل پلیس و نیروهای نظامی را راه می‌اندازید، در وجه عمده هدف اصلی‌اش دفـاع از مالکیت خصوصی و از اموال خصوصی است. جاده‌ها و اتوبان‌ها و راه‌آهن و فرودگاه‌ها و خدمات مشابه در اغلب موارد با اموال عمومی ساخته می‌شود. خب شما نوعی که در این شرایط با استفاده از این امکانات به کار تولید و فروش محصول می‌پردازید، برای تداوم این خدمات و تضمین کیفیت مطلوب آنها باید سهم خود را برای حفظ این تسهیلات عمومی بپردازید. حتی آدم اسمیت هم به نوعی مالیات تصاعدی اعتقاد داشت؛ یعنی معتقد بود کسانی که درآمدهای به بسیار بالاتری دارند، باید اندکی بیشتر مالیات بپردازند. اینکه از پرداخت مالیات فرار می‌کنیم و هیچ اتفاقی نمی‌افتد به کمان من «اقتصاد ابلهان» است. با تغییراتی که در این ۴۰ سال گذشته صورت گرفته است، اجرای مالیات تصاعدی از همیشه دشوارتر شده است. درعین‌حال، تردید نداشته باشید که همراه با بحران محیط زیست، بحران دیگری که امنیت اجتماعی و اقتصادی بسیاری از جوامع را تهدید می‌کند رشـد روزافزون نابرابری و گسترش فقر در آنهاست. از دست‌های ناممرئی در این راسا کاری برنمی‌آید، بلکه این مشکل را تشـدید خواهد کرد؛ باید دولت‌ها در راسـتای کاستن از نابرابری‌ها و فقر دست به اقدامات عملی بزنند.

▼کارگرد ساختار مافیایی برای ثروتمندان به‌جز فرار مالیاتی چیست؟ سرمایه‌داری کازینویی چه ارتباطی با اقتصاد سیاسی جرم و جنایت در سطح جهان دارد؟

آنچه در میان همه «بهشت‌های مالیاتی» مشترک است، این است که تسهیل‌کننده فساد مالی و اقتصادی در جهان‌اند. «خدماتی» که ارائه می‌دهند گذشته از حساب‌سازی، پنهان‌کاری است. یک دولتمرد گزدست که از اموال عمومی دست به سرقت می‌زند، این اموال را در بسـتوی خانـه خود پنهان نمی‌کند- در یکی از این بهشت‌های مالیاتی یک کمپانی کاغـذی به خـدمت می‌رساند و بعد برای آن کمپانی هم حسـاب بانکی می‌گیـرد و در اغلب این موارد هم‌ناچار نیست کسی بداند که این مفسد حتی اسمش چیست یا منشا پولی که به بانک می‌سـپارد از کجا آمده است؟ البته این شخص می‌تواند یک دولتمرد گزدسـت نباشد، بلکه رهبر یک گروه قاچاقچیان مواد مخدر در کلمبیا یا کشور دیگری باشد. در ارائه خدمات به این جماعت، این سازوکاری که ایجاد شده است، هیچ تفکیکی قائل نمی‌شود.

حتی اگر لازم باشد، برای مثال شما مهاجرت «کرایه‌ای» یا «بیت‌مدیره کرایه‌ای» هم فراهم می‌کنند. البته بر اسـاس آنچه در قوانین نوشته شده است، بانک‌ها باید دربـاره منشـا پول مطمئن باشند و باید مشـخصات دارنده حساب معلوم باشد ولی در عمـل به خاطر «سـود» که می‌برند، همه ایـن محدودیت‌ها را کنـار گذاشـته‌اند و این امـر بیرسـود به کسـانی که سرمایه‌گذاری کازینویی به ارتباطی با اقتصاد سیاسـی جرم و جنایت در سـطح جهان دارد؟ چاپ ساده و سـراسـت من به شما این اسـت که دروافع «روغنی» اسـت که ماشین این مجموعـه جرم و جنایت‌ها را می‌گرداند و آن را عملی و امکان‌پذیر می‌کند و حتی به شـماری از این جنایتان امکان می‌دهد که با پول‌های «کثیف» وارد شده و بعد با پول‌های «پاک» از آن خارج بشوند.

▼در شـرایط کنونی اقتصاد جهان رو به افاق آمدن بر مشـکل بهشت‌های مالیاتی چیسـت و نیروهای «چپ»، به‌جز راه‌هایی مانند افشاگری چه راه‌حل ایجابی برای آن در نظر دارند؟

قبل از هر چیز باید تأکید کنم که این مشـکل به واقع مشـکل جهـ و راست نیسـت، بلکه آنچه در جریان اسـت کل امنیت اجتمـاعـی و اقتصادی جوامع بشری را به خطر انداخته است. به افتصاد جهان در شرایط کرونا بنگرید. دولت کازینویی سـخن گفتم و از سـوی دیگر درباره فرار مالیاتی نوشتم. خواستم این نکته را گفته باشـم که بدون تصحیح این سـاختار معیوب بسـیاری از مشـکلات امروزین ما قابل رفع و رجوع نیسـتند.

▼توماس پیکتی در کتاب سـرمایه در قرن بیسـت‌ویکم مالیات‌سـتانی تصاعدی را راه کاهش نابرابری فزاینده در قرن بیسـت‌ویکم می‌داند؛ چقدر این موضوع را در عمل و در شرایط جهانی‌شدن سرمایه‌داری و نولیبرالیسم قابل تحقق می‌دانید؟

اگرچه میزان مالیاتی عمومی در کشورهای مختلف فرق می‌کند؛ ولی در همه کشورها، فرمولی برای اقتصادی از این امکانات عمومی در جریان فعالیت‌های خود بهره‌مند می‌شوند. اینکه شـما یک تشکیلات عریض و طویل پلیس و نیروهای نظامی را راه می‌اندازید، در وجه عمده هدف اصلی‌اش دفـاع از مالکیت خصوصی و از اموال خصوصی اسـت. جاده‌ها و اتوبان‌ها و راه‌آهن و فرودگاه‌ها و خدمات مشـابه در اغلب موارد با اموال عمومی سـاخته می‌شـود. خب شما نوعی که در این شـرایط با اسـتفاده از این امکانات به کار تولیـد و فروش محصول می‌پردازیـد، برای تداوم این خدمات و تضمین کیفیت مطلوب آنها باید سـهم خود را برای حفظ این تسـهیلات عمومی بپردازید. حتی آدم اسـمیت هم به نوعی مالیات تصاعدی اعتقاد داشـت؛ یعنی معتقد بود کسانی که درآمدهای به بسـیار بالاتری دارند، باید اندکی بیشـتر مالیات بپردازند. البته این امکانی بیشـتر مالیات می‌گیرد، اجرای مالیات تصاعدی امروز به مراتب دشوارتر شده است. جدا، دیگر درعین‌حال، تردید نداشته باشید که همراه با بحران محیط زیسـت، بحران دیگری که امنیت اجتماعی و اقتصادی بسـیاری از جوامع را تهدید می‌کند رشـد روزافزون نابرابری و گسـترش فقر در آنهاست. از دست‌های ناممرئی در این راسا کاری برنمی‌آید، بلکه این مشکل را تشـدید خواهد کرد؛ باید دولت‌ها در راسـتای کاستن از نابرابری‌ها و فقر دسـت به اقدامات عملی بزنند.

▼کارگرد ساختار مافیایی برای ثروتمندان به‌جز فرار مالیاتی چیسـت؟ سرمایه‌داری کازینویی چه ارتباطی با اقتصاد سیاسی جرم و جنایت در سطح جهان دارد؟

آنچه در میان همه «بهشـت‌های مالیاتی» مشـترک اسـت، این اسـت که تسهیل‌کننده فساد مالی و اقتصادی در جهان‌اند. «خدماتی» که ارائه می‌دهند گذشـته از حساب‌سازی، پنهان‌کاری اسـت. یک دولتمرد گزدسـت که از اموال عمومی دسـت به سـرقت می‌زند، این اموال را در بسـتوی خانـه خود پنهان نمی‌کنـد. در یکـی از این بهشـت‌های مالیاتی یـک کمپانی کاغـذی به خـدمت می‌رسـاند و بعد برای آن کمپانی هم حسـاب بانکی می‌گیـرد و در اغلب این موارد هم‌ناچار نیسـت کسی بداند که این مفسد حتی اسمش چیست یا منشا پولی که به بانک می‌سـپارد از کجا آمده است؟ البته این شخص می‌تواند یک دولتمرد گزدسـت نباشد، بلکه رهبر یک گروه قاچاقچیان مواد مخدر در کلمبیا یا کشور دیگری باشد. در ارائه خدمات به این جماعت، این سازوکاری که ایجاد شده است، هیچ تفکیکی قائل نمی‌شود.

حتی اگر لازم باشد، برای مثال شما مهاجرت «کرایه‌ای» یا «بیت‌مدیره کرایه‌ای» هم فراهم می‌کنند. البته بر اسـاس آنچه در قوانین نوشته شده است، بانک‌ها باید دربـاره منشـا پول مطمئن باشند و باید مشـخصات دارنده حساب معلوم باشند ولی در عمـل به خاطر «سـود» که می‌برند، همه ایـن محدودیت‌ها را کنـار گذاشـته‌اند و این امـر بیرسـود به کسـانی که سرمایه‌گذاری کازینویی به ارتباطی با اقتصاد سیاسـی جرم و جنایت در سـطح جهان دارد؟ چاپ ساده و سـراسـت من به شما این اسـت که دروافع «روغنی» اسـت که ماشین این مجموعـه جرم و جنایت‌ها را می‌گرداند و آن را عملی و امکان‌پذیر می‌کند و حتی به شـماری از این جنایتان امکان می‌دهد که با پول‌های «کثیف» وارد شده و بعد با پول‌های «پاک» از آن خارج بشوند.

▼در شـرایط کنونی اقتصاد جهان رو به افاق آمدن بر مشـکل بهشت‌های مالیاتی چیسـت و نیروهای «چپ»، به‌جز راه‌هایی مانند افشاگری چه راه‌حل ایجابی برای آن در نظر دارند؟

قبل از هر چیز باید تأکید کنم که این مشـکل به واقع مشـکل جهـ و راست نیسـت، بلکه آنچه در جریان اسـت کل امنیت اجتمـاعـی و اقتصادی جوامع بشری را به خطر انداخته است. به افتصاد جهان در شرایط کرونا بنگرید.

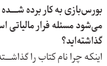

سرمایه‌داری مافیایی
مقدمه‌ای بر بهشت‌های مالیاتی
احمد سیف
ناشر: کرکدن
قیمت: ۳۵ هزار تومان

بورس‌بازی به کار برده شده ولی موضوع اصلی‌ای که در کتاب بررسی می‌شود مسئله فرار مالیاتی است. چرا عنوان کتاب را سرمایه‌داری مافیایی گذاشته‌اید؟

اینکه چرا نام کتاب را گذاشـته‌ام «سـرمایه‌داری مافیایی»، پاسخ سراسری دارد؛ چون اجازه نداده بودند عنوانش را «سرمایه‌داری کازینویی» بگذارم، و اما نکته شـما درباره فرار مالیاتی، واقعیت این اسـت که یک نظام سرمایه‌داری، اگر بخواهد مالیاتی مبنی بر مالیات‌ستانی برای تجارت تأسیس کند، کار چون با جبهه قدرتی که در دیگر دیدیم، جنگیدن در تمام جبهه‌ها است. البته زنجیره‌ای از حقوق‌دانان و وکلا، حسابداران و شرکت‌های حقوقی هم هستند که این نظام را می‌گردانند و دروافع پیاده‌نظام آن هستند.

نامه‌نامه ایلات و عشایر و طوایف و خاندان‌ها
منوچهر ستوده و خورشید مومنی
**ناشر: مرکز دایره‌المعارف بزرگ ا